

فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۳، شماره ۳ (پیاپی ۴۴)، پاییز ۱۳۹۷
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۵ شاپای الکترونیکی ۵۹۵X-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۶۱۲-۵۹۵

تحلیل الزامات تحقق راهبردهای توسعه روستایی ایران با تأکید بر راهبرد صنعتی شدن کشاورزی

علی اکبر تقیلو - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
احمد آفتاب* - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
علی مجنونى توتاخانه - مدرس گروه مهندسی معماری، دانشگاه بناب، بناب، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۲۸

چکیده

الزامات راهبرد کشاورزی صنعتی در چهارچوب ساختار اقتصادی کشور، تعاملات فضایی نظام سکونتگاهی، کارکرد بازار و ساخت اقتصاد کشاورزی روستاها قابل بررسی است. در این راستا، هدف این تحقیق شناخت الزامات تأثیرگذار در تحقق کشاورزی صنعتی در روستاها است. نوع تحقق کاربردی بوده، روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی و علی است. جامعه آماری این پژوهش را ۲۳ نفر از کارشناسان دانشگاهی تشکیل داده‌اند. بر این اساس، جمع آوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه بوده و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل AHP و نرم افزار Expert choice صورت گرفته است. بر اساس نتایج نظر کارشناسان میزان اهمیت نیروی انسانی ماهر در صنعتی شدن کشاورزی برابر با $0/433+1$ و اهمیت سرمایه مالی برابر با $0/433+0$ به دست آمد. از الزامات جذب سرمایه؛ زیر معیارهای تضعیف فضای رانت در شهر ($0/431+0$)، بازاریابی و قیمت‌گذاری شناور ($0/2414$)، آگاهی مردم از اقتصاد بازاری ($0/0853$) و مشارکت سازمان‌یافته مردم ($0/146$) به ترتیب از زیر معیارهای نظام سکونتگاهی، رفتار دولت، عملکرد بازار و ساختار اقتصاد روستا از اهمیت بالایی برخوردار بودند.

واژگان کلیدی: کشاورزی صنعتی، رفتار دولت، نظام سکونتگاهی، توسعه روستایی، مدل AHP

نحوه استناد به مقاله:

تقیلو، علی اکبر، آفتاب، احمد، مجنونى توتاخانه، علی. (۱۳۹۷). تحلیل الزامات تحقق راهبردهای توسعه روستایی ایران با تأکید بر راهبرد صنعتی شدن کشاورزی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۳ (۳)، ۵۹۵-۶۱۲

http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_545175.html

مقدمه

بررسی چالش‌های اصلی راهبردی توسعه اقتصادی روستاها در راستای موفقیت برنامه‌های توسعه روستایی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. صنعتی شدن کشاورزی راهبردی است که موضوع بسیاری از مقالات و کتاب‌ها را به خود اختصاص داده است بنابراین توجه به الزامات آن می‌تواند در افزایش اثربخشی و کارآمدی آن تأثیر بسیاری داشته باشد. روستاها بخش زیادی از جمعیت و منابع تولید خصوصاً آب‌و‌خاک را در اختیار دارند و در توسعه و رشد اقتصادی کشور نقش بسزایی را ایفا می‌کند. حدود ۹۰ درصد منابع آبی کشور در روستاها در بخش کشاورزی به مصرف می‌رسد و بخش بزرگی از منابع طبیعی دیگر نظیر خاک و مراتع توسط روستائیان بهره‌برداری می‌شود. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران نزدیک ۳۰ درصد از جمعیت کشور در روستاها زندگی می‌کنند. مضاف بر آن‌ها روستاها حدود ۸۰ درصد نیازهای غذایی کشور را تولید می‌کنند و در تأمین امنیت غذایی از اهمیت والایی برخوردارند. موجودی سرمایه، نیروی کار و بهره‌وری کل عوامل تولید کشاورزی تأثیر مثبت معناداری بر رشد اقتصادی کشاورزی داشته است (Kaheledi & Haghghat Neza, 2012: 57). امروزه اقتصاد روستایی با چالش‌های بسیار روبرو است. نظام سنتی تولید (Shahbazi, 2010: 202)، پراکندگی و کوچک بودن اراضی کشاورزی (Rezvani, 2013: 141)، درآمد ناپایدار و پایین روستائیان، بیکاری پنهان، آشکار و کم‌کاری، پایین بودن راندمان تولید، پایین بودن سطح استفاده از تکنولوژی، مهاجرت نیروی خلاق و جوان، کاهش احساس تعلق به روستا، کهنوت سنی روستائیان، ضعف امکانات اجتماعی و زیرساختی، پایین بودن سطح نوآوری و خلاقیت در روستاها، ضعف زیرساخت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (Andrew & petkov, 2003:75; Sandrasegaran & Prag, 1999: 145) میل و رغبت جوانان به فعالیت‌های کسب‌وکار تولیدی، کمبود منابع مالی (Loening & Kinda, 2008: 2)، پایین بودن سطح سواد تولیدکنندگان روستایی، کیفیت پایین مسکن و کالبد روستا، مسائل مربوط به مالکیت بر عوامل تولید، کمبود و ناقص بودن آمار و اطلاعات صحیح خصوصاً در بخش اقتصاد خانوار روستا، ضعف بیمه کشاورزی، خشک‌سالی، کاهش کمی و کیفی آب‌و‌خاک (Barbier, 2000: 299)، نگرش سنتی کشاورزان به هزینه تولید و در نظر نداشتن هزینه اقتصادی منابع پایه تولید و ... از جمله چالش‌های مهم اقتصاد کشاورزی به شمار می‌رود.

در خصوص تحلیل و تبیین توسعه و توسعه‌نیافتگی نظریه‌های مختلفی از جمله نظریه‌های اقتصادی رشد و توسعه؛ نظریه‌ی جامعه‌شناختی نوسازی؛ نظریه‌های مارکسیست و نئومارکسیست؛ پسا‌ساختارگرایی؛ پساتوسعه‌گرایی؛ پسااستعمارگرایی و همچنین نظریه‌ی توسعه‌ی طرفداری از حقوق زنان وجود دارد که در سطح جهانی و ملی به تبیین توسعه می‌پردازند. نظریه‌های نوسازی، وابستگی و نئوکلاسیک از مشهورترین نظریه‌ها در این زمینه هستند. اخیراً نیز رویکردهای نوینی در این زمینه مانند نقش جنبش‌های محلی، نقش و اهمیت سازمان‌های غیردولتی، موضوعات جنسیتی، عدالت و دموکراسی و مهمتر از همه محیطزیست و روابط محلی ارائه گردیده است. تغییر گرایشی نیز از نظریه‌های بزرگ‌مقیاس به تحلیل‌های در مقیاس‌های متوسط و یا کوچک در فرآیند توسعه‌ی وجود دارد. برخی محققین رویکرد توسعه از پایین و رویکرد نیازهای اساسی را مورد تأکید قرار داده‌اند (Rezvani, 2033: 78).

اندیشمندان و صاحب‌نظران امر برنامه‌ریزی توسعه‌ی ناحیه‌ای و روستایی با ارائه دیدگاه‌ها و تئوری‌های خاص، هر کدام نابرابری‌های ناحیه‌ای و محلی را مطابق با موقعیت مکان و زمان خود مورد بررسی قرار می‌دهند اقتصاددانان نئوکلاسیک، رشد و توسعه ناحیه‌ای و روستایی را تحت تأثیر دو عامل مکانیسم تعادل و جابجایی می‌دانند که جریان آزاد منابع بین نواحی در یک سرزمین و یا کشور در بلندمدت، نوعی تعادل بین ناحیه‌ای را به وجود می‌آورد (Taghilou et al, 2014: 16)، نئوکینزها آن را وابسته به صادرات می‌دانند به‌طوری که با تقسیم اقتصاد ناحیه به دو بخش پایه و غیر پایه، توسعه نواحی را ناشی از بخش پایه دانسته و معتقد هستند، سایر فعالیت‌ها زائیده رشد و فعالیت‌های بخش پایه است. فرانسوا پرو نحوه نگرش به توسعه نواحی را ناشی از قطب‌های رشد می‌داند که در مرحله‌ی اول با سرمایه‌گذاری‌های کلان صنعتی در مراکز بزرگ شهری، واگرایی و نابرابری

1. Economic theories of growth and development
2. Sociological theories of modernization
3. Marxist and neo-Marxist theories
4. Poststructuralism
5. Postcolonialism
6. Feminist theories of development

ایجاد می‌شود و در مرحله دوم با انتشار تدریجی توسعه به سایر نواحی همگرایی و برابری ایجاد می‌گردد. جان فریدمن^۱ در سال ۱۹۷۵ با ارائه نظریه "مرکز - پیرامون" مرکز را به‌عنوان منشا توسعه دانسته که با زایش توسعه در مرکز به پیرامون جریان می‌یابد (Clark, 2000: 9)، راندینلی^۲ یکی از پژوهشگران مشهور توسعه به صورت‌بندی رهیافت دیگری در توسعه روستایی پرداخت که به نام عملکردهای شهری در توسعه روستایی معروف است که در مؤسسه کمک‌های بین‌المللی آمریکا (U.S.A.I.D) مورد استفاده قرار گرفته است. در این رهیافت ایجاد شهرهای کوچک در پیوند عملکردی با حوزه‌های روستایی، محور قرار گرفته تا تنوع بخشیدن به اقتصاد، صنعتی کردن، عرضه خدمات پشتیبانی و تجاری کردن کشاورزی و سرانجام سازمان‌دهی و مدیریت توسعه را برآورده سازند. از طرف دیگر توسعه روستایی علاوه بر وابستگی به عامل انسانی به عوامل طبیعی نیز وابسته است؛ زیرا سکونتگاه‌های روستایی فضاهای جغرافیایی و یا چشم‌اندازهای مکانی- فضایی حاصل از برآیند مجموعه عوامل و نیروهای چشم‌انداز طبیعی و چشم‌اندازهای فرهنگی هستند. به‌عبارت‌دیگر سکونتگاه‌های روستایی به‌عنوان پدیده‌های جغرافیایی نمود عینی و فضایی عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در این ارتباط فضاهای روستایی به‌عنوان چشم‌انداز جغرافیایی حاصل توزیع فضایی عناصر پدیده‌ها در بخشی از فضای جغرافیایی است که شکل‌گیری و تحول آن‌ها متأثر از روابط و مناسبات میان ساخت‌های جغرافیایی است (Monshi Zade & Sadeghi, 2010:118)؛ بنابراین تغییر و تحول روستاها، استقرار جمعیت، توسعه فعالیت‌های اقتصادی به عوامل طبیعی همچون وجود خاک، آب، مرتع، شیب و به‌طور کلی به خصیصه‌های اکولوژیک و توان محیط (Thapa & Murayama, 2008: 225) وابسته است؛ زیرا بخش کشاورزی عنصر اصلی ساختار اقتصادی روستاها است و توسعه آن به‌مثابه توسعه روستایی قلمداد می‌شود به شکلی که مایکل تودارو توسعه کشاورزی را محور اصلی توسعه روستای می‌داند (Hejrati & Afshari, 2010: 128).

بدین جهت توسعه روستایی، راهبردی برای بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی روستاییان فقیر (Oecd, 2001: 5) و کشاورزی، به‌عنوان کارکرد اصلی روستا، نقش مهمی در فقرزدایی دارد (Meijerink, 2014: 47). صاحب‌نظران توسعه مانند لویس امرج، جون رابینسون، نیل اسملسر، مایکل تودارو، روستو، آرتور لوتیز، عبیدالله خان، درادی و ... به احتساب روستا به‌عنوان بخش مهمی از جامعه‌ی زیستی کشورها، راه توسعه‌ی اقتصادی کشورها (با نگاه کلان) و توسعه روستایی (با نگاه خرد) را در توسعه کشاورزی دیده‌اند. در این راستا بر اثرات عمده‌ی بخش کشاورزی همچون کاهش بیکاری، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، بالا بردن سطح و کیفیت زندگی و ... تأکید نموده‌اند (Shahian et al, 2010: 159) نوسازی کشاورزی در ابعاد مختلف بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای جهان سوم به‌صورت گسترده بکار رفت. یکی از استراتژی‌های نوسازی در کشاورزی به‌کارگیری ماشین و یا صنعت در بخش کشاورزی یا مکانیزه کردن کشاورزی است که در قالب استراتژی‌های انقلاب سبز و صنعتی شدن روستاها در برنامه‌های توسعه روستایی بکار گرفته شد. توسعه کشاورزی به عوامل چندی بستگی دارد که از بین آن‌ها جذب سرمایه و نیروی انسانی ماهر و متخصص از مهم‌ترین و بااهمیت‌ترین به‌شمار می‌رود. توسعه کشاورزی کشور نیازمند بهره‌گیری از نیروهای متخصص است و موفقیت و کارایی آن بستگی به استفاده بهینه از نیروی انسانی به‌عنوان مهم‌ترین عامل توسعه کشاورزی دارد (Zamani, 2001: 177). تربیت و عرضه نیروی انسانی ماهر و متخصص از ضروریات توسعه کشاورزی است. از سوی دیگر جذب این نیرو در برنامه‌های توسعه از مسائل اساسی کشور به‌شمار می‌آید. بدیهی است که برای گسترش و توسعه بخش کشاورزی، به‌عنوان یکی از محورهای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، به مجموعه‌ای نیروهای خلاق، آموزش پذیر، ریسک‌پذیر و ... نیازمند است (Ramzanian, 2001: 208). سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نیز از دو منبع عمومی و خصوصی صورت می‌گیرد و این سرمایه در بخش کشاورزی در دو بخش انجام می‌شود، سرمایه‌گذاری در نهاده‌های تولید و سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی (Motiei Langroudi, 2004: 192). سرمایه‌گذاری در نهاده‌های تولید، کشاورزی را به سمت صنعتی کردن به‌پیش خواهد برد. جذب سرمایه در استفاده از تکنولوژی تولید (کاشت، داشت و برداشت) بهره‌وری کشاورزی را افزایش خواهد داد و موجب انباشت سرمایه برای سرمایه‌گذاری مجدد خواهد شد.

الزامات راهبرد توسعه کشاورزی صنعتی را می‌توان در چهارچوب ساختار اقتصادی کشور، تعاملات فضایی نظام سکونتگاهی، کارکرد بازار و ساخت اقتصاد کشاورزی روستاها تحلیل نمود که هر یک به نحوی در تحقق این راهبرد تأثیرگذار است.

درآمدهای دولت در کشورهای توسعه‌یافته وابسته به مالیات‌های بخش تولید و خدمات است؛ بنابراین رفتار دولت در اقتصاد تولیدی و توسعه‌یافته به شکلی است که تمامی برنامه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در راستای توسعه بخش تولید متمرکز خواهد شد تا بتواند با توسعه آن درآمدهای خود را افزایش دهد. امام مسئله مهمی که وجود دارد این است در اقتصادهای تک‌محصولی خصوصاً اقتصاد نفتی، دولت درآمدهای عمده خود را از فروش نفت به دست می‌آورد و نیاز چندانی به توسعه بخش تولید در راستای افزایش درآمد مالیاتی احساس نمی‌کند. سیاست‌های اقتصادی کشور مبتنی بر اقتصاد نفت متمرکز است فروش نفت و درآمدهای حاصل از صادرات نفت در مقابل درآمدهای ناشی از تولید ناخالص داخلی هر سال حجمی عظیمی از درآمدهای دولت را به خود اختصاص می‌دهد و باعث جدایی دولت از جامعه می‌شود (Rahimi, 2010: 73) و چون بخش تولید در جامعه رونق پیدا نمی‌کند و دارای نوسان بسیار بالا می‌باشد بسیاری از سرمایه‌های بخش خصوصی به سمت اقتصاد غیر تولیدی جریان می‌یابد و در بخش اقتصاد خدماتی متمرکز شده و به تبع آن فضای رانت جویانه در کسب‌وکار شهروندان و دولت‌ها ایجاد می‌شود و علاوه بر آن فرایند تداوم تصدی‌گری دولت در تمامی امور اقتصادی را سبب می‌شود و عملاً نقش بخش خصوصی را در فرایند توسعه و سرمایه‌گذاری در کشاورزی را در حاشیه قرار می‌دهد زیرا دولت بدون وابستگی به بخش خصوصی مدیریت ساختار اقتصادی را با درآمد نفت انجام می‌دهد و نیاز کمتری به سرمایه‌گذاری‌های خصوصی احساس می‌کند. بدین ترتیب اقتصاد ملی از وابستگی به مازاد تولیدات کشاورزی و دامی تغییر پایگاه داده و به درآمدها و عواید ناشی از نفت متکی می‌شود (Rahnemaie et al, 2010: 50) و تلاش برای اجرایی و عملی کردن برنامه‌های توسعه کشاورزی و صنعتی سازی بخش کشاورزی با توسعه فضای رانتی و گرایش سرمایه‌گذاری به سمت خدمات از طرف بخش خصوصی را کاهش می‌دهد.

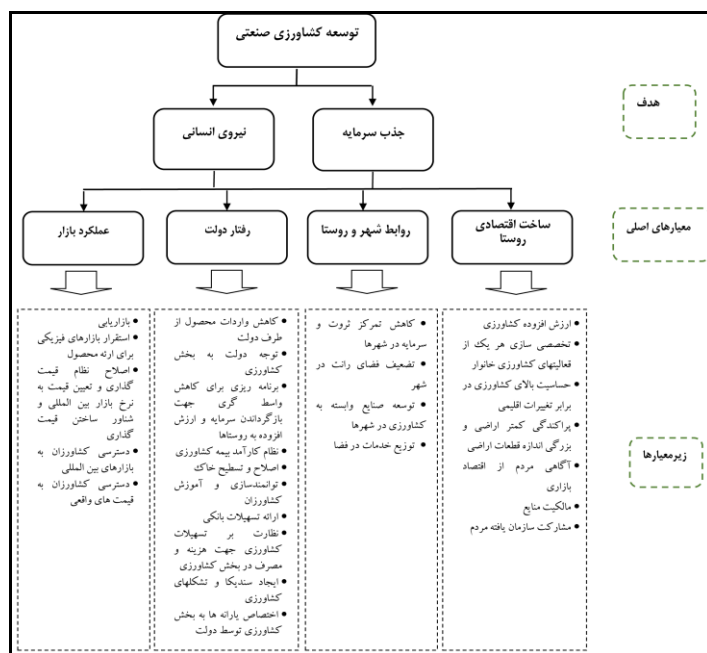
جریان سرمایه و نیروی انسانی به سمت صنعتی کردن کشاورزی علاوه بر اینکه به رفتار دولت وابسته است از چگونگی روابط فضایی سکونتگاه‌های شهری و روستایی نیز تأثیر بسیاری می‌پذیرد. مبادله نابرابر کالاهای تولیدی، تمرکز قدرت اقتصادی، پیشرفت و رشد اقتصادی و فعالیت تولیدی در مرکز موجب حفظ جریان ارزش افزوده کشاورزی از روستا به شهر می‌شود (Saiedi, 2004: 141). از نظر فریدمن شهر چند تأثیر مهمی بر مناطق روستایی دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اثر سلطه و اثر تولیدی که بر بخش کشاورزی نیز تأثیر دارد، اشاره نمود. اثر سلطه بر منطقه پیرامون به دلیل انتقال دائم منابع انسانی و سرمایه مالی به هسته دائماً تضعیف می‌شود و در اثر تولیدی، ایجاد یک نظام تشویقی مجذوب‌کننده برای نوآوری‌ها از جمله تخصص و رشد ویژگی‌های اقتصادی مقیاس (Papoli Yazdi & Ebrahimi, 2003: 98) در شهر وجود دارد که موجب انتقال سرمایه و نیروی انسانی روستا به شهر می‌شود. فضای رانت جویانه رویه گسترش سکونتگاه‌های بزرگ شهری بیشتر از سکونتگاه‌های کوچک همانند روستاهاست و این فضا سرمایه‌ها را به سوی خود جذب می‌کند. در فضای رانتی رفتار اقتصادی و انتخاب عقلانی فاعلان اجتماعی و سرمایه‌گذاران به سمت گریز از کار و فعالیت‌های تولیدی روستایی است زیرا بر اساس قاعده بیشینه‌سازی سود و منفعت اقتصادی نیروی کار و سرمایه‌ها و تلاش‌ها درجایی بکار گرفته می‌شود که با کمترین تلاش و سرمایه بیشترین سود را داشته باشد. با توجه به اینکه این فضای رانتی با انباشت درآمدهای نفتی در مراکز شهری رخ می‌دهد جریان نیروی انسانی و سرمایه‌ها به سوی این نقاط جغرافیایی خواهد بود و این امر توسعه کشاورزی صنعتی در روستاها با چالش جدی مواجه می‌سازد. جریان سرمایه و نیروی کار را از در بخش کشاورزی به نوع اقتصاد شهری نیز وابسته است توسعه خدمات و صنایع غیر وابسته به کشاورزی در شهرها انگیزه توسعه کشاورزی را از سرمایه‌گذاران خواهد کاست.

بازار از دیگر نیروها و روندهای اصلی در تحولات نظام اقتصاد کشاورزی است. درآمد جامعه کشاورزی ایران وابسته به موقعیت بازار محصولات کشاورزی و قیمت‌گذاری این محصولات است که منجر به افزایش درآمد در جامعه کشاورزی می‌شود. افزایش درآمد کشاورزان امکان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را میسر ساخته و انگیزه تولید را بالای می‌برد (Motiei Langroudi, 2004: 196). بنابراین مدیریت فرآیند بازاریابی در چرخه تولید تا مصرف هر محصول، ابزار پیشرفت کشاورزی کشورها و به ویژه کشورهای درحال توسعه به شمار می‌آید. با بهبود کارایی فرآیند بازاریابی و شبکه‌های بازاریابی، کاهش زمانی فرآیند بازاریابی و کاهش واسطه‌ها، افزایش بهره‌وری، بهبود شرایط کیفی محصول و یا حفظ آن تا زمان انتقال به مصرف‌کننده منجر به دستیابی تولیدکننده اصلی به سطح متعادل‌تری از سود و ارزش افزوده ناشی از تولید گردد (Rezvani et al, 2013: 3). دسترسی کشاورزان به بازارهای بین‌المللی، دسترسی کشاورزان به قیمت‌های واقعی (Nossal & Gooday, 2009: 14)، افزایش درآمد و پس‌انداز، تخصیص بهینه منابع به عوامل تولید و گسترش سرمایه‌گذاری مجدد از نمود شرایط مطلوب بازار برای فعالان بخش

کشاورزی است. در این بین مکانیسم سیاست‌گذاری و تنظیم بازار می‌تواند ایمنی‌های لازم را در برابر خطرهای احتمالی فراهم آورد (European Commission, 2009: 4). بنابراین مسئله اصلی این است که چرا با وجود تاکید بر توسعه کشاورزی در برنامه‌ها، اسناد، مقالات و کتاب‌ها چالش‌های فوق در روستاها همچنان پابرجا است و برنامه‌ها موفقیت چندانی در تغییر شرایط اقتصاد با توجه به انتظارات به وجود نیاورده است؟ تحقیق حاضر علل این مسئله را در نحوه ارتباط شهر - روستا، رفتار رانته دولتی، عملکرد بازار و ساختار اقتصادی روستا بررسی می‌کند. چرا که با راهبردهای صنعتی شدن کشاورزی با شرایط و اولویت‌های روستاها سازگار نمی‌باشند و با اینکه عوامل خارج از سیستم مانع تحقیق اهداف راهبردی شده است. بازار، شهر و رفتار رانته دولتی عوامل موثر خارج از سیستم روستایی و ساختار اقتصاد کشاورزی روستاها عامل داخلی است که صنعتی شدن کشاورزی را با چالش جدی روبرو می‌سازد. هدف کلی تحقیق حاضر نیز عمق‌بخشی به نظریه‌های توسعه و اهداف اصلی آن شناسایی چالش‌ها و آسیب‌شناسی راهبردهای توسعه کشاورزی است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی و علی است. در این تحقیق روش گردآوری داده‌ها برای پاسخگویی علمی به تحقق راهبردهای توسعه روستایی با تاکید بر راهبرد صنعتی شدن کشاورزی، به دو صورت اسنادی (داده‌های ثانویه) و پیمایشی (داده‌های اولیه) و ابزار مورد استفاده در روش پیمایشی پرسش‌نامه و مصاحبه بوده است. جامعه آماری پژوهش را ۲۳ نفر از کارشناسان دانشگاهی تشکیل می‌دهند. براساس مبانی تئوریک الزامات اجرایی شدن و اثر بخشی راهبرد کشاورزی صنعتی با استفاده از نظر کارشناسان در جدول مقایسه زوجی مدل سلسله مراتبی AHP (Sameti et al, 2003: 67) مورد بررسی قرار گرفت و اهمیت الزامات اصلی راهبردهای توسعه شناخته شدند. سپس میزان تأثیر هر یک از عوامل در اجرایی شدن و اثربخشی راهبردها با استفاده از کارشناسان تعیین شد و از مراحل مدل AHP جهت تجزیه تحلیل نظرات استفاده گردید. این مدل توسط محقق بنام ساعتی در مهر و موم‌های ۱۹۷۰ پیشنهاد شده و تاکنون کاربردهای فراوانی برای آن مورد بحث قرار گرفته‌اند. اساس AHP بر روی تجزیه یک مسأله بزرگ به عناصر جزئی آن در یک ساختار سلسله مراتبی است. ارتباط عناصر در سطوح مختلف با همدیگر و ارتباط هدف اصلی مسأله با عناصر در سطوح مختلف بایستی کاملاً مشخص باشند. AHP و کاربرد آن بر سه اصل زیرین استوار است: (Kian najafzade, 2001: 469). الف) برپایی یک ساختار و قالب سلسله مراتبی برای مسأله، با توجه به ساخت متغیرها و منطق استدلالی حاکم در تحقیق مدل سلسله مراتبی تحقیق به شکل زیر ترسیم می‌گردد.



شکل ۱. ساختار سلسله مراتبی تحقیق

ب) برقراری ترجیحات از طریق مقایسات زوجی به دست آوردن یک ماتریس متقابل تحت عنوان ماتریس مقایسات دوتایی یا ماتریس قضاوت‌های نسبی که از طریق مقایسات دوتایی فعالیت‌ها حاصل می‌شود.

ج) ارزیابی وزنه‌ای معیارها و شاخص‌ها وزن مربوط به هر معیار که در واقع مبین وزن کلی ارجحیت آن معیار است به شکل زیر به دست خواهد آمد

$$W_i = \frac{a_{ij}}{\sum_{j=1}^n a_{ij}}$$

وزن رجحان معیار i ام و a_{ij} ام ماتریس مقایسات دوتایی است j ام و i ستون i عنصر موجود در سطر.

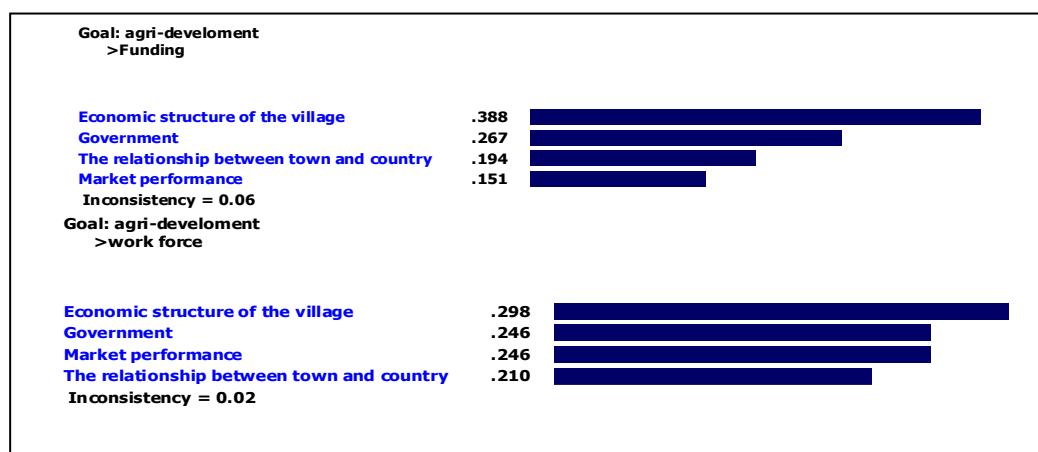
یافته‌ها و بحث

در تعیین اهمیت معیارهای توسعه کشاورزی صنعتی از جدول مقایسه زوجی مدل سلسله مراتبی AHP استفاده گردید و وزن آن‌ها با استفاده از نظر ۱۱ کارشناس برآورد گردید. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که نیروی انسانی ماهر و متخصص از اهمیت بیشتری نسبت به سرمایه مالی در صنعتی شدن کشاورزی برخوردار است. بر اساس نتایج نظر کارشناسان میزان اهمیت نیروی انسانی ماهر در صنعتی شدن کشاورزی برابر با ۰/۴۳۳۰۱۳ است و اهمیت سرمایه مالی برابر با ۰/۴۳۳۰۰۲ به دست آمد.

جدول ۱. اهمیت معیارهای صنعت شدن کشاورزی

اهمیت	الزامات
۰/۴۳۳۰۰۲	سرمایه مالی
۰/۴۳۳۰۱۳	نیروی انسانی ماهر

مطابق شکل (۲) وزن نسبی معیارهای اصلی در ارتباط با جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی برای توسعه صنعتی کشاورزی از طریق مقایسه زوجی به‌دست‌آمده است. در این میان، ساختار اقتصادی روستا هم از لحاظ جذب سرمایه مالی و هم از نظر نیروی انسانی، با امتیاز به ترتیب ۰/۳۸۸ و ۰/۲۹۸ بالاترین اهمیت و تأثیر را دارد. کمترین اهمیت از لحاظ جذب سرمایه را معیار عملکرد بازار با امتیاز ۰/۱۵۱ و از لحاظ نیروی انسانی، معیار روابط شهر و روستا با امتیاز ۰/۲۱۰ دارند.

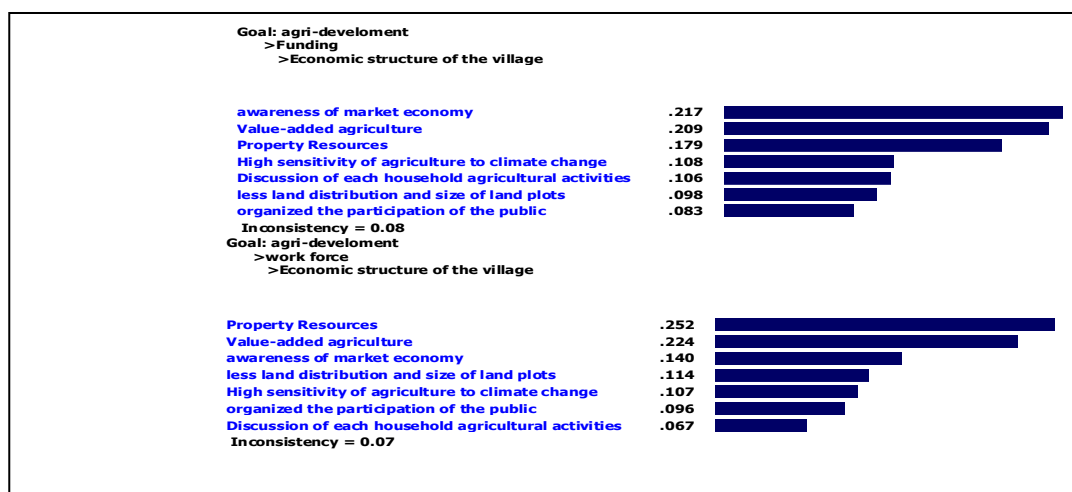


شکل ۲. اوزان به‌دست‌آمده از معیارهای اصلی در ارتباط با جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی

نتایج نظر کارشناسان در ارتباط با اهمیت زیر معیارها در جذب سرمایه و نیروی انسانی ماهر در جدول زیر آمده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده مشارکت سازمان‌یافته مردم در جذب سرمایه برای صنعتی شدن کشاورزی دارای اهمیت زیادی نسبت به سایر

معیارها دارد. میزان اهمیت مشارکت سازمان یافته مردم ۰/۱۴۶ به دست آمده است. با توجه به اینکه روستاها دارای سرمایه‌های اندک و پراکنده زیادی دارند با سازمان‌دهی مردم در قالب تشکلهای رسمی این سرمایه‌ها می‌تواند در صنعتی شدن کشاورزی جذب شود و از طرف دیگر این تشکلهای می‌توانند در جذب اعتبارات بانکی در توسعه کشاورزی صنعتی نیز نقش فعالی را داشته باشند. افزایش ارزش افزوده کشاورزی روستا از عوامل دیگری است که در ارتباط با جذب سرمایه نسبت به سایر معیارها دارای اهمیت است. اهمیت این عامل از نظر کارشناسان ۰/۱۲ آمده است. افزایش ارزش افزوده به چند طریق می‌تواند در جذب سرمایه نقش داشته باشد. نخست باعث انباشت سرمایه در روستاها شده و سرمایه‌گذاری در کشاورزی را به همراه می‌آورد. دوم باعث افزایش انگیزه سرمایه‌گذاران شهری و روستایی در بخش کشاورزی شده و سرمایه را به سمت تغییر کشاورزی سنتی به صنعتی سوق می‌دهد. مالکیت منابع (۰/۱۱۷۸)، پراکندگی کمتر اراضی و بزرگی اندازه قطعات اراضی (۰/۱۱۳۷) از دیگر معیارهایی هستند که در جذب سرمایه برای توسعه کشاورزی صنعتی دارای اهمیت هستند؛ زیرا مالکیت بر منابع آب و خاک انگیزه بالایی را برای سرمایه‌گذاری به وجود می‌آورد و مالکان را برای سرمایه‌گذاری ترغیب می‌کند. یکپارچگی اراضی و با اندازه‌های بزرگ زمین را برای استقرار فعالیت‌های کشاورزی صنعتی فراهم می‌نماید؛ زیرا اندازه کوچک اراضی یکی از عواملی است که استفاده از تکنولوژی را محدود می‌کند لذا با یکپارچه ساختن اراضی زمین و انگیزه جذب سرمایه افزایش می‌یابد. آگاهی مردم از اقتصاد بازاری (۰/۰۸۵۳) و حساسیت بالای کشاورزی در برابر تغییرات اقلیمی (۰/۰۵۲۸) از جمله عوامل دیگری است که در جذب سرمایه اهمیت زیادی دارد. آگاهی از وضعیت اقتصاد بازاری در فروش، تعیین قیمت محصولات تولید شده و زمان صدور محصول به بازار در میزان درآمد و انباشت سرمایه کشاورزان تأثیر زیادی دارد و سرمایه بالایی را برای سرمایه‌گذاری به وجود می‌آورد.

اهمیت هر یک از عوامل فوق در جذب نیروی انسانی ماهر متفاوت از معیارهای جذب سرمایه است. در جذب نیروی انسانی ماهر معیار افزایش ارزش افزوده کشاورزی با مقدار ۰/۰۹۴۲ اهمیت زیادی دارد. منطق رفتار اقتصادی انسان مبتنی بر بیشینه‌سازی سود است بنابراین گرایش انسان به فعالیتی خواهد بود که بالاترین ارزش افزوده را داشته باشد و بخش کشاورزی نیز استثنا بر این نیست و زمانی نیروی انسانی ماهر را جذب خواهد کرد که دارای درآمد و ارزش افزوده بالایی داشته باشد. مشارکت سازمان یافته مردم نیز از جمله راهبردهای تأثیرگذار در جذب نیروی انسانی ماهر در صنعتی کردن کشاورزی است. بر اساس نظر کارشناسان میزان اهمیت این معیار برابر با ۰/۰۵۴۶ به دست آمده است که از این نظر در رتبه دوم قرار گرفته است. تخصصی سازی هر یک از فعالیت‌های کشاورزی خانوار (۰/۰۵۲۵) و مالکیت منابع (۰/۰۴۷۹) از معیارهای مهم دیگر در جذب نیروی انسانی ماهر است. بنابراین در جذب نیروی انسانی ماهر برای بخش کشاورزی نخست باید برنامه‌ریزی را مبتنی بر بهره‌برداران کشاورزی متمرکز نمود.

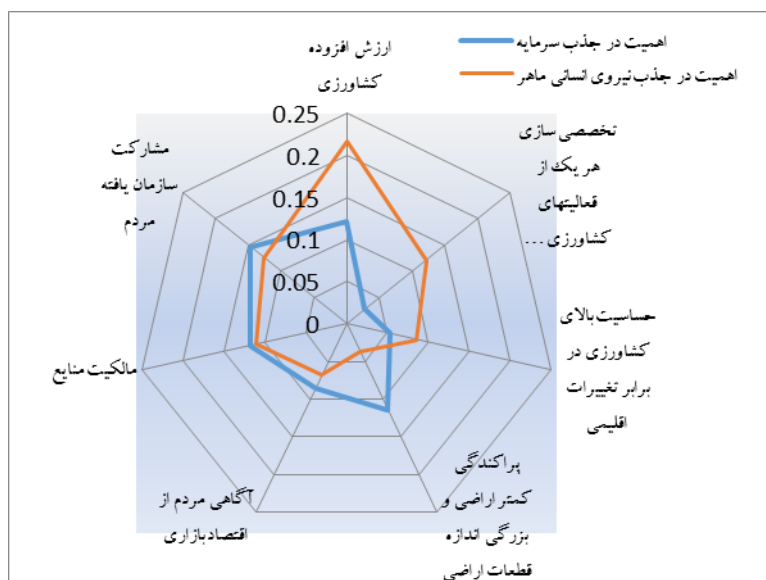


شکل ۳. اوزان به دست آمده زیر معیارهای ساخت اقتصادی روستا در ارتباط با جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی

جدول ۲. ضریب اهمیت هر یک از زیر معیارهای ساخت اقتصادی روستا در جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی

اهمیت در جذب نیروی انسانی ماهر		اهمیت در جذب سرمایه		زیر معیارها
اهمیت	امتیاز نهایی	اهمیت	امتیاز نهایی	
۰.۹۴۲/۰	۲۱۷۵/۰	۰.۵۲۷/۰	۱۲۱۸/۰	ارزش افزوده کشاورزی
۰.۵۲۵/۰	۱۲۱۳/۰	۰.۱۲۰/۰	۰.۲۷۶/۰	تخصصی سازی هر یک از فعالیت‌های کشاورزی خانوار
۰.۳۷۲/۰	۰.۸۵۹/۰	۰.۲۲۹/۰	۰.۵۲۸/۰	حساسیت بالای کشاورزی در برابر تغییرات اقلیمی
۰.۱۶۲/۰	۰.۳۷۴/۰	۰.۴۹۲/۰	۱۱۳۷/۰	پراکندگی کمتر اراضی و بزرگی اندازه قطعات اراضی
۰.۲۹۱/۰	۰.۶۷۲/۰	۰.۳۶۹/۰	۰.۸۵۳/۰	آگاهی مردم از اقتصاد بازاری
۰.۴۷۹/۰	۱۱۰۶/۰	۰.۵۱۰/۰	۱۱۷۸/۰	مالکیت منابع
۰.۵۴۶/۰	۱۲۶۲/۰	۰.۶۳۳/۰	۱۴۶۲/۰	مشارکت سازمان یافته مردم

شکل (۴) نشان می‌دهد که عامل تخصصی سازی هر یک از فعالیت‌های کشاورزی خانوار در جذب نیروی انسانی ماهر در توسعه کشاورزی صنعتی اهمیت متفاوتی دارد و مالکیت منابع اهمیت تقریباً مشابهی داشته است.

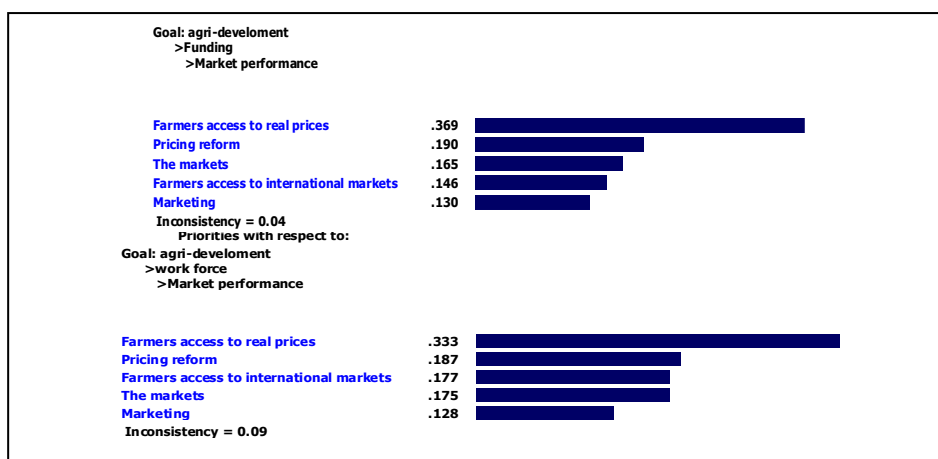


شکل ۴. ضریب اهمیت هر یک از زیر معیارهای ساخت اقتصادی روستا در جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی

در میان زیر معیارهای دارای اهمیت بازاری در جذب سرمایه برای سرمایه‌گذاری در کشاورزی صنعتی، بازاریابی، اصلاح نظام قیمت‌گذاری و تعیین قیمت به نرخ بازار بین‌المللی و شناور ساختن قیمت‌گذاری اهمیت بالایی نسبت به سایر معیارهای بازاری دارد. بر اساس نتایج به دست آمده میزان اهمیت بازاریابی، اصلاح و قیمت‌گذاری شناور برابر با ۰/۲۴۱۴ به دست آمد. بازاریابی و فروش محصول با قیمت مناسب اصل اول در جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری در کشاورزی است زیرا که بازار بدون رقیب اصل اول است در مرحله بعد قیمت محصولات تولید شده در بازار با تولیدات سایر فعالیت‌ها برابری نماید و به عبارتی نرخ بازار قیمت محصولات را تعیین کند و در صورت قیمت‌گذاری توسط دولت قیمت محصولات به نرخ روز تعیین شود. از عوامل دیگر در جذب سرمایه برای توسعه کشاورزی صنعتی استقرار بازارهای فیزیکی برای ارائه محصول (۰/۲۱۸) و دسترسی کشاورزان به بازارهای بین‌المللی (۰/۱۷۲) است که از نظر کارشناسان نسبت به بازاریابی و تعیین قیمت از اهمیت کمتری برخوردارند.

جذب نیروی انسانی ماهر از الزامات اساسی در توسعه کشاورزی صنعتی است که مهم‌ترین معیارهای بازاری تحقق این الزام دسترسی کشاورزان به بازارهای بین‌المللی و اصلاح نظام قیمت‌گذاری، تعیین قیمت به نرخ بازار بین‌المللی و شناور ساختن قیمت‌گذاری است. بر اساس نتایج به دست آمده این معیارها از درجه اهمیت بالایی نسبت به سایر معیارهای بازاری برخوردارند. اهمیت این معیارها از نظر کارشناسان برابر با ۰/۳۴۷۴ و ۰/۲۲۱ به دست آمد. دسترسی کشاورزان به قیمت‌های واقعی (۰/۲۰)،

بازاریابی (۰/۱۵۸) و استقرار بازارهای فیزیکی برای ارائه محصول (۰/۱۵۸) نیز از دیگر معیارهای بااهمیت بازار است که می‌تواند در جذب نیروی ماهر و متخصص نقش مهمی را داشته باشد. زیرا انسان در پرداختن به فعالیت خاصی بر اساس منطق اقتصادی و یا بر اساس قاعده پیشینه‌سازی سود عمل می‌کند و تمام فعالیت‌های اقتصادی خود را مبتنی بر آن تنظیم می‌کند. بنابراین منطقی است که در انتخاب فعالیت معیارهای درآمد و بازار را اصل قرار دهد و به قیمت تولیدات و دسترسی به بازار که در افزایش درآمد نقش زیادی دارند، توجه داشته باشد.

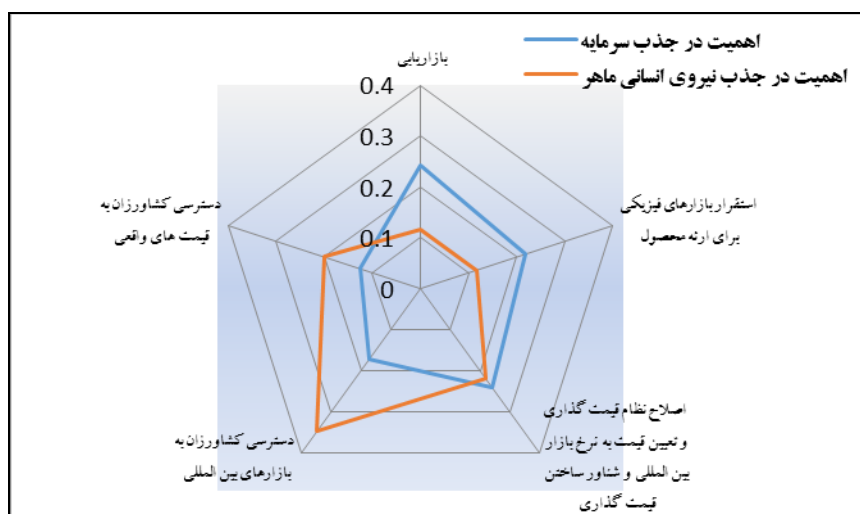


شکل ۵. اوزان به‌دست‌آمده زیر معیارهای بازار در ارتباط با جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی

جدول ۳. ضریب اهمیت هر یک از زیر معیارها بازار در جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی

اهمیت در جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی ماهر		اهمیت در جذب سرمایه		زیر معیارها
اهمیت	امتیاز نهایی	اهمیت	امتیاز نهایی	
۰.۵۰۱/۰	۱۱۵۸/۰	۰.۹۴۶/۰	۱۰۴۵/۰	بازاریابی
۰.۵۰۱/۰	۱۱۵۸/۰	۰.۹۴۶/۰	۱۰۴۵/۰	استقرار بازارهای فیزیکی برای ارائه محصول
۰.۹۵۷/۰	۲۲۱۱/۰	۰.۷۴۶/۰	۵۴۷/۰	اصلاح نظام قیمت‌گذاری، تعیین قیمت به نرخ بازار بین‌المللی و شناور ساختن قیمت‌گذاری
۱۵۰۴/۰	۳۴۷۴/۰	۰.۷۴۶/۰	۵۴۷/۰	دسترسی کشاورزان به بازارهای بین‌المللی
۰.۸۶۶/۰	۲۰۰۰/۰	۰.۷۴۶/۰	۵۴۷/۰	دسترسی کشاورزان به قیمت‌های واقعی

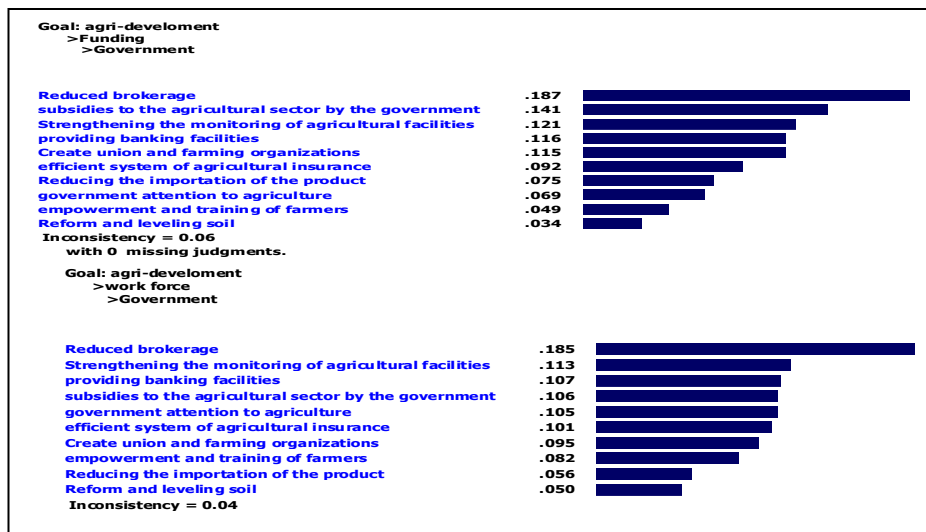
شکل (۶) نشان می‌دهد که عوامل موثر در جذب نیروی انسانی در توسعه کشاورزی صنعتی با عوامل موثر در جذب سرمایه تفاوت کمتری دارد.



شکل ۶. ضریب اهمیت هر یک از زیر معیارها بازار در جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی

مهم‌ترین عامل توسعه دولت است. رفتار اقتصادی دولت اهمیت زیادی در توسعه دارد. توسعه بخش کشاورزی به‌عنوان یکی از زیر بخش‌های اقتصاد ملی در جذب سرمایه و نیروی انسانی ماهر شدیداً به رفتار اقتصادی دولت وابسته است. زیرا دولت می‌تواند هم به‌عنوان سرمایه‌گذار و هم به‌عنوان متولی جذب سرمایه بخش خصوصی عمل کند. معیارهای مهم رفتار دولت در جذب سرمایه و نیروی انسانی در جدول (۴) آمده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، تقویت نظارت بر تسهیلات کشاورزی در جهت هزینه و مصرف آن در بخش کشاورزی (۱۸۶/۰)، ارائه تسهیلات بانکی (۱۶۱/۰)، ایجاد سندیکا و تشکل‌های کشاورزی (۱۲۴/۰) و اختصاص یارانه‌ها به بخش کشاورزی توسط دولت (۱۰۳/۰) به ترتیب مهم‌ترین معیار نسبت به سایر معیارهای مولفه رفتار دولت در جذب سرمایه به شمار می‌رود. در بخش بعدی معیارهای؛ توجه دولت به بخش کشاورزی (۰۸۷۱/۰)، برنامه‌ریزی برای کاهش واسطه‌گری جهت بازگرداندن سرمایه و ارزش افزوده به روستاها (۰۸۷۱/۰) و نظام کارآمد بیمه کشاورزی (۰۸۲۲/۰) قرار دارند؛ و در نهایت توانمندسازی و آموزش کشاورزان (۰۵۳۲/۰)، اصلاح و تسطیح خاک (۰۳۵۷/۰) و کاهش واردات محصول از طرف دولت (۰۲۶۶/۰) هستند که در جذب سرمایه دارای اهمیت می‌باشند.

بسیاری از سرمایه‌های اختصاص‌یافته به توسعه کشاورزی صنعتی در فعالیت‌های دیگر همانند صنعت و ساختمان بکار گرفته می‌شود نظارت دقیق دولت در سوق این سرمایه و در کنار آن اختصاص یارانه به این بخش و ارائه تسهیلات بانکی برای نیروی انسانی ماهر در راستای توسعه کشاورزی صنعتی این بخش اقتصادی را توسعه خواهد داد. همچنین از دیگر عواملی که موجب گریز نیروی انسان در فعالیت کشاورزی می‌شود ضعف نظام بازرگانی و گستردگی نظام واسطه‌گری است که عملکرد دولت در توانمند سازی نیروی انسانی و بهره‌برداران این بخش در برابر نظام دلالی و واسطه‌گری منجر به بازگشت سرمایه به فعالیت کشاورزی شده و انگیزه بهره‌برداران و نیروهای انسانی متخصص را در پرداختن و فعالیت در این بخش را افزایش می‌دهد. بنابراین رفتار دولت می‌تواند در ایجاد انگیزه برای جذب نیروی انسانی دارای اهمیت باشد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که از معیارهای برنامه‌ریزی برای کاهش واسطه‌گری جهت بازگرداندن سرمایه و ارزش افزوده به روستاها، نظام کارآمد بیمه کشاورزی، توانمندسازی و آموزش کشاورزان، ارائه تسهیلات بانکی و ایجاد سندیکا و تشکل‌های کشاورزی با میزان اهمیت ۰/۱۱۹ مهم‌ترین معیارهای تأثیرگذار در جذب نیروی انسانی عمل می‌کند. در مرحله بعدی توجه دولت به بخش کشاورزی (۰/۰۹۵)، تقویت نظارت بر تسهیلات کشاورزی در جهت هزینه و مصرف آن در بخش کشاورزی (۰/۰۷۱۶) و اختصاص یارانه‌ها به بخش کشاورزی توسط دولت (۰/۰۷۱۶) قرار دارد که در جذب نیروی انسانی به توسعه کشاورزی صنعتی و پرداختن به فعالیت‌های کشاورزی دارای اهمیت است؛ و در آخر نیز کاهش واردات محصول از طرف دولت (۰/۰۴۸۷) و اصلاح و تسطیح خاک (۰/۰۴۸۷) در جذب نیروی انسانی ماهر در توسعه کشاورزی اهمیت دارد که توجه به هر یک از آن‌ها می‌تواند در گسترش نیروی انسانی برای توسعه کشاورزی صنعتی نقش مهمی را ایفا نمایند.

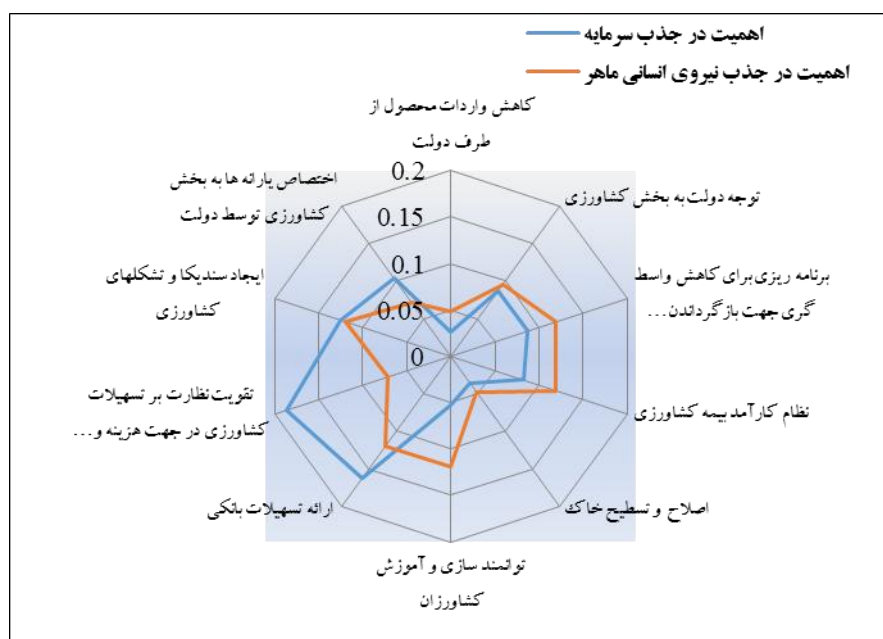


شکل ۷. اوزان به دست آمده زیر معیارهای رفتار دولت در ارتباط با جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی

جدول ۴. ضریب اهمیت هر یک از زیر معیارهای رفتار دولت در جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی

اهمیت در جذب نیروی انسانی ماهر		اهمیت در جذب سرمایه		زیر معیارها
اهمیت	امتیاز نهایی	اهمیت	امتیاز نهایی	
۰.۲۰۷/۰	۰.۴۷۸/۰	۰.۱۱۵/۰	۰.۲۶۶/۰	کاهش واردات محصول از طرف دولت
۰.۴۱۴/۰	۰.۹۵۵/۰	۰.۳۷۷/۰	۰.۸۷۱/۰	توجه دولت به بخش کشاورزی
۰.۵۱۷/۰	۱۱۹۴/۰	۰.۳۷۷/۰	۰.۸۷۱/۰	برنامه ریزی برای کاهش واسط
۰.۵۱۷/۰	۱۱۹۴/۰	۰.۳۵۶/۰	۰.۸۲۲/۰	نظام کارآمد بیمه کشاورزی
۰.۲۰۷/۰	۰.۴۷۸/۰	۰.۱۵۵/۰	۰.۳۵۷/۰	اصلاح و تسطیح خاک
۰.۵۱۷/۰	۱۱۹۴/۰	۰.۲۳۶/۰	۰.۵۲۳/۰	توانمندسازی و آموزش کشاورزان
۰.۵۱۷/۰	۱۱۹۴/۰	۰.۷۰۱/۰	۱۶۱۸/۰	ارائه تسهیلات بانکی
۰.۳۱۰/۰	۰.۷۱۶/۰	۰.۸۰۸/۰	۱۸۶۷/۰	تقویت نظارت بر تسهیلات کشاورزی در جهت هزینه و مصرف آن در بخش کشاورزی
۰.۵۱۷/۰	۱۱۹۴/۰	۰.۵۳۹/۰	۱۲۴۵/۰	ایجاد سندیکا و تشکل‌های کشاورزی
۰.۳۱۰/۰	۰.۷۱۶/۰	۰.۴۴۹/۰	۱۰۳۷/۰	اختصاص یارانه‌ها به بخش کشاورزی توسط دولت

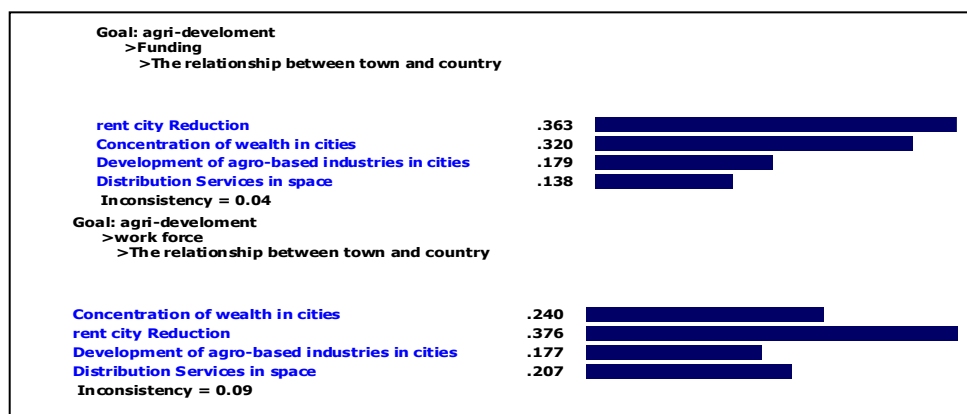
شکل (۸) نشان می‌دهد که برنامه ریزی برای کاهش واسط گری جهت بازگرداندن سرمایه و ارزش افزوده به روستا و نظام کارآمد بیمه بیشترین تأثیر را در جذب نیروی انسانی دارند و تقویت نظارت بر تسهیلات کشاورزی در جهت هزینه و مصرف آن در بخش کشاورزی و ارائه تسهیلات بانکی بیشترین تأثیر را در جذب سرمایه دارد.



شکل ۸. ضریب اهمیت هر یک از زیر معیارهای رفتار دولت در جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی

جریان فضایی نیروی انسانی و سرمایه بین سکونتگاه‌های شهری و روستایی نقش بسیار مهمی در توسعه نوع فعالیت دارد. جذابیت فضای شهری وجود فضای رانتی و تمرکز سرمایه در شهرها نیروی انسانی و سرمایه مناطق روستایی را به سوی خود جذب می‌کند. بنابراین تضعیف جذابیت شهری و یا به معنای دقیق‌تر بالا بردن جذابیت روستایی در جذب سرمایه و نیروی انسانی در توسعه کشاورزی صنعتی دارای اهمیت زیادی است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده زیر معیارهای تضعیف فضای رانت در شهر (۰/۴۳۱۰) و کاهش تمرکز ثروت و سرمایه در شهرها (۰/۰۵۸۶) مهم‌ترین معیارها در جذب سرمایه به شمار می‌رود و معیارهای توسعه صنایع وابسته به کشاورزی در شهرها (۰/۲۲۹۸) و توزیع خدمات در فضا (۰/۰۸۰۴) در مراتب بعدی از نظر اهمیت قرار دارند.

در جذب نیروی انسانی برای توسعه کشاورزی صنعتی زیر معیارهای تضعیف فضای رانت در شهر (۰/۴۳۰) و کاهش تمرکز ثروت و سرمایه در شهرها (۰/۲۸۸۵) مهم‌ترین معیارها در جذب نیروی انسانی ماهر به شمار می‌رود و معیارهای توسعه صنایع وابسته به کشاورزی در شهرها (۰/۱۱۴۹) و توزیع خدمات در فضا (۰/۱۹۵۵) در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند.

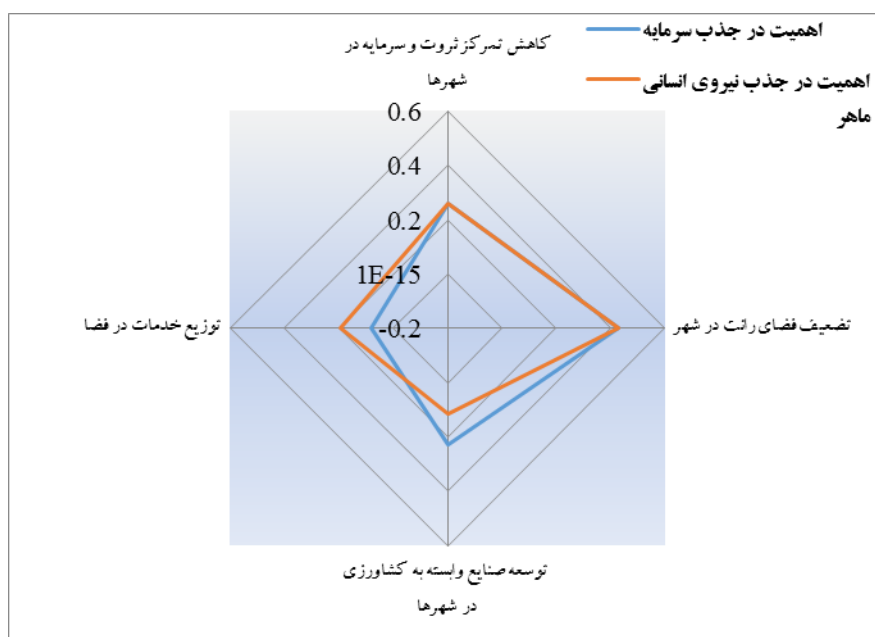


شکل ۹. اوزان به‌دست‌آمده زیر معیارهای شهر در ارتباط با جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی

جدول ۵. ضریب اهمیت هر یک از زیر معیارهای شهر در جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی

اهمیت در جذب سرمایه		اهمیت در جذب نیروی انسانی		زیر معیارها
اهمیت	امتیاز نهایی	اهمیت	امتیاز نهایی	
۲۵۸۶/۰	۱۱۱۹۸/۰	۲۵۸۵۹/۰	۱۱۱۹۷/۰	کاهش تمرکز ثروت و سرمایه در شهرها
۴۳۱۰/۰	۱۸۶۶۳/۰	۴۳۰۹/۰	۱۸۶۶۱/۰	تضعیف فضای رانت در شهر
۲۳۹۸/۰	۰۹۹۵۴/۰	۱۱۴۹۱/۰	۰۴۹۷۵/۰	توسعه صنایع وابسته به کشاورزی در شهرها
۰۰۸۰۴/۰	۰۳۴۸۳/۰	۱۹۵۵/۰	۰۸۴۶۵/۰	توزیع خدمات در فضا

شکل (۱۰) تفاوت عوامل موثر بر جذب نیروی انسانی و جذب سرمایه را نشان می‌دهد. تضعیف فضای رانت در شهر و کاهش تمرکز ثروت و سرمایه در شهرها دو عامل موثر در جذب نیروی انسانی و سرمایه است که تأثیر مشابهی در توسعه کشاورزی صنعتی دارند.



شکل ۱۰. ضریب اهمیت هر یک از زیر معیارهای شهر در جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی

نتیجه‌گیری

توسعه و گسترش کشاورزی صنعتی در روستاها بعد جنگ جهانی دوم و خصوصاً بعد از انقلاب سبز در کشورهای جهان سوم به راهبردی غالب در توسعه روستایی بدل گشت. اما تحقق این راهبرد در جهان سوم با وجود تأکید زیاد در برنامه‌های مختلف توسعه نتایج مطلوبی نداشته است. توسعه کشاورزی صنعتی در روستاها تنها در فضای صرف اقتصاد کشاورزی میسر نیست زیرا جذب نیروی انسانی و سرمایه مالی از عوامل زیادی تأثیر می‌پذیرد که بایستی در برنامه‌های توسعه کشاورزی به آن توجه نمود. اقتصاد روستایی به‌طور عام و اقتصاد کشاورزی به‌صورت خاص وابسته به سازمان فضایی و نظام سکونتگاهی است زیرا چگونگی روابط شهر و روستا در جریان فضایی سرمایه و نیروی انسانی بین این دو سکونتگاه تأثیر عمیقی دارد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که در میان معیارهای اصلی، ساختار اقتصادی روستا هم از لحاظ جذب سرمایه مالی و هم از نظر نیروی انسانی، با امتیاز به ترتیب ۰/۳۸۸ و ۰/۲۹۸ بالاترین اهمیت و تأثیر را توسعه کشاورزی صنعتی دارد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده زیر معیارهای تضعیف فضای رانت در شهر (۰/۴۳۱۰) و کاهش تمرکز ثروت و سرمایه در شهرها (۰/۰۵۸۶) مهم‌ترین معیارها در جذب سرمایه و نیروی انسانی به شمار می‌رود. از سوی دیگر سیاست اقتصادی حاکم در سطح کلان ملی در توسعه کشاورزی از اهمیت خاصی برخوردار است. توجه دولت به بخش تولید و کشاورزی می‌تواند در جذب نیروی انسانی و سرمایه دو الزام اصلی در توسعه کشاورزی و تبدیل کشاورزی سنتی به صنعتی، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. زیرا دولت می‌تواند هم به‌عنوان سرمایه‌گذار و هم به‌عنوان متولی جذب سرمایه بخش خصوصی عمل کند. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، تقویت نظارت بر تسهیلات کشاورزی در جهت هزینه و

مصرف آن در بخش کشاورزی (۰/۱۸۶)، ارائه تسهیلات بانکی (۰/۱۶۱)، به ترتیب مهم‌ترین معیار نسبت به سایر معیارهای مولفه رفتار دولت در جذب سرمایه به شمار می‌رود. همچنین معیارهای برنامه‌ریزی برای کاهش واسطه‌گری جهت بازگرداندن سرمایه و ارزش‌افزوده به روستاها، نظام کارآمد بیمه کشاورزی، توانمندسازی و آموزش کشاورزان، ارائه تسهیلات بانکی و ایجاد سندیکا و تشکل‌های کشاورزی با میزان اهمیت ۰/۱۱۹ مهم‌ترین معیارهای تأثیرگذار در جذب نیروی انسانی عمل می‌کند. بازار و عملکرد بازار نیز از الزامات مهم تحقق راهبرد صنعتی شدن کشاورزی است. بازار در تعیین قیمت محصولات در جریان سرمایه بین بخش‌های مختلف اقتصادی نقش مهمی دارد بر اساس نتایج به‌دست‌آمده اهمیت بازاریابی، اصلاح و قیمت‌گذاری شناور با ضریب اهمیت ۰/۳۴۱۴ اصل اول در جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری در کشاورزی است زیرا سرمایه‌ها در فعالیتی بکار گرفته می‌شود که اولاً بازار بدون رقیب قدرتمندی وجود داشته باشد. در مرحله بعد قیمت محصولات تولید شده در بازار با تولیدات سایر فعالیت‌ها برابری نماید و به عبارتی نرخ بازار قیمت محصولات را تعیین کند و در صورت قیمت‌گذاری توسط دولت قیمت محصولات به نرخ روز تعیین شود. در جذب نیروی انسانی در توسعه کشاورزی صنعتی، دسترسی کشاورزان به بازارهای بین‌المللی و اصلاح نظام قیمت‌گذاری و تعیین قیمت به نرخ بازار بین‌المللی و شناور ساختن قیمت‌گذاری مهم‌ترین الزامات به شمار می‌رود. زیرا انسان در پرداختن به فعالیت خاصی بر اساس منطق اقتصادی و یا بر اساس قاعده پیشینه‌سازی سود عمل می‌کند و تمام فعالیت‌های اقتصادی خود را مبتنی بر آن تنظیم می‌کند. بنابراین منطقی است که در انتخاب فعالیت معیارهای درآمد و بازار را اصل قرار دهد و به قیمت تولیدات و دسترسی به بازار که در افزایش درآمد نقش زیادی دارند، توجه داشته باشد.

References

- Andrew T.N., & Petkov D. (2003). The Need for a Systems Thinking Approach to the Planning of rural Telecommunications Infrastructure. *Telecommunications Policy, Elsevier, 27* (1), 75-93.
- Anselm Anibueze Enete. (2009). Challenges of agricultural adaptation to climate change: The case of cassava post-harvest in Southeast Nigeria. *International Journal of Climate Change Strategies and Management* ISSN: 1756-8692.
- Azkiya, M. (2002). *Sociology of development and underdevelopment of rural areas*. Tehran: Publication Information. (In Persian)
- Balali, H., & Khalilian, S. (2003). the impact of investment on employment and demand for labor in the agricultural sector of Iran. *Agricultural Economics, 11* (41). (In Persian)
- Barbier, E.B. (2000). Valuing the environment as input: applications to mangrove-fishery linkages. *Ecological Economics, 35*, 47-61.
- Clark, D. (2000). *Urban World Global City*. Routledge, London.
- European Commission. (2009). *Sustainability Report, Reproduction is authorized provided the source is acknowledged*. Printed in Luxembourg.
- Hejrati, M.H., & Afshari, M. (2010). The Role of Land Ownership in Rural Development. *Quarterly Journal of Human Geography, 3* (1). (In Persian)
- Herrmann, S., & Osinski, E. (1999). Planning sustainable land use in rural areas at different spatial levels using GIS and modelling tools. *Landscape and Urban Planning, 46*, 93-101.
- Khaledi, K., & Haghghatnezhad shirazy, A. (2012). The Relationship between Natural Resource Abundance and Poverty in Iran. *Social Welfare, 12* (46), 65-91. (In Persian)
- Konare, K. (2001). *Challenges to agricultural financing in Mali*, Submitted to Michigan State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science Department of Agricultural Economics.

- Loening, J.L., & Tidiane, K. (2008). *Small Enterprise Growth and the Rural Investment Climate: Evidence from Tanzania*, World Bank Policy Research Working Paper Series, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1233051>.
- Meijerink, G., & Roza, P. (2014). *The role of agriculture in development*. Markets, Chains and Sustainable Development Strategy and Policy Paper, No. 5, Stichting DLO: Wageningen. Available at:
- Motiei Langroodi. S.H. (2006). *Economic Geography of Iran (Agriculture)*, published by the University Jihad. (In Persian)
- Monshizadeh, R.A., & Sadeghi, M. (2010). Spatial changes of the villages around the city with an emphasis on rural and urban interaction. *Journal geographical landscape*, 5 (12), 131 -153. (In Persian)
- Najafzadeh, k. (2001). Economic_ environmental assessment on the technologies of energy production. *Third National Conference on Energy, Tehran, Energy Efficiency Organization of Iran*. (In Persian)
- Nowrooz-e Avrani, A. (2011). A Glance at Rural Development Approaches and Strategies. *Sepehr (Geographical Organization)*, 20 (7), 36-43. (In Persian)
- Nossal, K., & Gooday, P. (2009). *Raising productivity growth in Australian agriculture*. ABARE Issues Insights report 09.7.
- OECD. (2001). *The DAC Guidelines*. strategies for Sustainable.
- Papoly Yazdi, M.H., & Ebrahimi, M.A. (2011). *Theory of rural development*. samt. (In Persian)
- Rahimi, H. (2010). Rentier State Theory and the Islamic Republic of Iran. *Islamic Revolution Studies*, 7(22), 60-100. (In Persian)
- Rezvani, M.R., Mansourian, H., Mahmoudian zamaneh, M., Heydariyan mohammad abadi, R. (2013). Spatial analysis of unemployment in Urban and Rural Areas in Iran with exploratory Spatial Data Analysis Approach. *Magazine Physical-Space Programming*, 3 (1), 37-48. (In Persian)
- Rezvani, M.R. (2004). Determining and Analyzing the Rural Areas of Zanjan Province. *Quarterly Journal of Geographic Research*, 50, 86-75. (In Persian)
- Ramezani. M. (2001). Iran's aging population is employed in agriculture, causes and consequences. *Agricultural Economics and Development*, 9 (36). (In Persian)
- Rahnemaie, M.T., Ismail, Ali A., & Faraji Darabkhany, M. (2010). The structure of the urban economy with emphasis on the role of government, *Iranian Journal of Geographical Society*, 8 (24), 47-67. (In Persian)
- Shayan, H., Bozarjmehri, Kh., & Mirlotfi, M.R. (2010). The Role of Agriculture in Rural Development (Case Study: Sistan Miankangi section). *Geography and Regional Development*, 8 (15), 151-171. (In Persian)
- Shahbazi. E. (2010). *Introduction to Rural Development Pathology*. Tehran: Shahid Beheshti University Press. (In Persian)
- Samety, M., Samety, M., & Asghari, M. (2003). Isfahan industrial sector development priorities based on process (AHP) AHP. *Journal of Business Research*, 7 (27), 90-95. (In Persian)
- Sandrasegaran, K., & Prag, K., (1999). Planning point-to multipoint radio access networks using expert systems, *Expert Systems with Applications*, 17, 145-166.
- Statistical Center of Iran. (2011). *Census of Population and Housing*. (In Persian)

- Taqiyelo, A.K., Aftab, A., & Khosrowbeigi, R. (2015). Analyzing Rural Development In The Catchment Area of Lake Urmia. *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 10 (33), 13-28. (In Persian)
- Thapa, R. B., & Murayama, Y. (2008). Land evaluation for peri-urban agriculture using analytical hierarchical process and geographic information system techniques: A case study of Hanoi. *Land Use Policy*, 25 (2), 225-239.
- Tidiane Kinda., (2008). Infrastructures et flux de capitaux privés vers les pays en développement. *Revue économique*, 59 (3), 537-549.
- World Bank. (1992). Human Development Report, oxford university press New York.
- Yilma, T., Berg, E., & Berger, Th. (2015). Empowering African Women through Agricultural Technologies: The Case of Irrigation Technology in Northern Ghana. *Food System Dynamics*, 6 (2), 64-80.
- Zamani. Gh.H. (2001). The estimated need for public sector agricultural specialist until 1390. *Agricultural Economics and Development*, 9 (25), 177-195. (In Persian)

How to cite this article:

Taghilo, A., Aftab, A and majnoony, A. (2018). Analyzing requirements Fulfill of Iran rural development strategies with an emphasis on agricultural industrialization strategy. *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 13 (3), 595-612. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_545175_en.html

Analyzing requirements Fulfill of Iran rural development strategies with an emphasis on agricultural industrialization strategy

Ali Akbar Taghilo

Associate Professor, Faculty of Humanities, Urmia University, Urmia, Iran

Ahmad Aftab*

Ph. D in Geography and Urban planning, Urmia University, Urmia, Iran

Ali majnoony

Dep. of Art & Architecture, University of Bonab, Bonab, Iran

Received: 13/05/2018

Accepted: 18/08/2016

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

Rural and ruralism in Iran's position is very important. Study challenges rural economic development strategy is very important in line with the success of rural development programs. Agricultural industrialization is strategy that devoted the subject of many articles and books. So according to the requirements it is very influential in enhance the effectiveness and the efficiency it. Requirements of industrial agriculture development strategy can be analyzed within the country's economic structure, spatial interactions settlement systems, market performance and making the agricultural economy of rural areas which of them affect the realization of this strategy.

Methodology

Research method is descriptive research - analysis and causal that of the AHP model is used for analysis. To Based on the theoretical foundations of the development, requirements of implementation and effectiveness of industrial farming strategies were reviewed using expert opinion ", paired comparison model hierarchical AHP» and the main requirements of the development strategies were identified. Then the effect of each factor on the implementation and effectiveness of strategies is determined and using experts and from the AHP model was used to analyze the comments.

The relation main goal to various at levels and their relationship with each other must be clearly defined. Application of AHP is based on three underlying principles:

A: Establishing a hierarchical structure and form for issue,

B: establish priorities through paired comparisons, obtain matrix-matrix interactions as binary comparison matrix of relative judgments activities will be achieved through binary comparisons,

C: the analyze weights of criteria and indicators to assess the weight of each criterion which is actually represents the total weight of the priority criteria.

Results and discussion

Industrial agriculture development in rural agricultural economy is possible only in space because the absorption of manpower and financial investment are influenced by many factors that should be considered in agricultural development programs. Rural economy and rural

*Corresponding Author:

Email: ahmadaftab20@gmail.com

economy in general and agriculture in particular is related to spatial organization and settlement system because are profound impact the relations between urban and rural in flowing space capital and labor between these two settlements. Based on the results obtained under weaker standards rents space in the city (0.4310) and a decrease in the concentration of wealth and capital cities (0.0586), The most important criteria is to raise funds and manpower.

The Economic system prevailing at the macro level of national is important in agricultural development because the government can act as well as private investors and custodian of the funds. To base on the results obtained, in order to strengthen the monitoring of agricultural facilities and the cost of its use in agriculture (0.186), providing banking facilities (0.161), respectively, is considered the most important criterion relative to other criteria in the investment behavior of components. Also planning to reduce broker Market to return capital and value-added intermediary to the villages, efficient system of agricultural insurance, empower and educate farmers, providing banking facilities and the establishment of a trade union organizations and agricultural significance 0.119 The main criteria influenced the recruitment acts.

Conclusion

Market and market performance is the fulfillment of the requirements of agricultural industrialization strategy. To based on the results and modify the marketing and pricing of floating rate of 0.2414, is the first principle in fundraising and investment in agriculture. The funds will be used in practice because firstly, there is a strong market without competing then is equality the price of products on the market with products of other activities to provide an incentive for economic actors. The recruitment industry in agricultural development, based on these results, the following criteria farmers access to international markets and pricing reforms to the international market rate pricing and the pricing is the most important requirements float. Because human acts engagement the specific based on economic logic or based on profit maximization principle on the basis of their economic activity and all sets. So it makes sense that choose the original market activity and income criteria will be and output prices and increased market access attended, that have a lot of money.

The structure of the rural economy under the organized participation 0.146 and increasing the added value of agricultural by-value 0.0942 respectively fundraising and skilled manpower and expertise are of great importance.

Keywords: industrial agricultural, governmental actions, settlement systems, rural development, AHP Model.